## بازداشت عامل شهادت مامور پلیس شهریار

دزد سابقه‌داری که عامل شهادت مامور انتظامی شهریار بود در ماهدشت کرج بازداشت شد.

سردار محسن خانچرلی، فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران به سایت پلیس گفت: ساعت ۲۲، هفدهم دی امسال، ماموران گشت کلانتری باغستان در منطقه شهریار به خودروی پژو ۴۰۵ مشکوک شدند. ماموران به راننده اخطار دادند و خواستند توقف کند که او توجهی نکرد و بر سرعتش افزود و ادامه مسیر داد. در همین موقع راننده با توجه به انسداد مسیر با خودروی پژو۴۰۵ -که مشخص شد سرقتی بوده- ستوان سوم اسدا... خزایی را زیر گرفته و وی را به شدت مجروح کرد.

مامور زخمی به بیمارستان امام سجاد شهریار منتقل شد و بعد از سه روز بستری در آنجا به شهادت رسید. متهم فراری تحت تعقیب پلیس بود تا این‌که پس از یک ماه در ماهدشت کرج بازداشت شد. قاتل ۳۲ ساله، دارای سوابق متعدد سرقت خودرو است. یك قبضه سلاح کمری هم از او کشف شد.

زن میانسال پس از ابتلا به سرطان اعضای خانواده‌اش را کشت

# نمی‌خواستم از مرگ من ناراحت شوند!

**زنی که به خاطر بیماری سرطانش، شوهر و دو فرزندش را کشته بود، در شعبه دوم دادگاه کیفری استان البرز محاکمه و به سه بار قصاص محکوم شد.**

به گزارش جام جم، ماجرای این جنایت پیش از ظهر ۲۴ بهمن سال ۹۵ زمانی فاش شد که مردی با پلیس کرج تماس گرفت و خبر داد زنی با خانه‌اش تماس گرفته و کمك خواسته و نشانی خانه‌ای دو کوچه پایین‌تر در محله ماهدشت را داده و تلفن را قطع کرده است. بعداز آن هر چه تماس گرفته تا از ماجرا سر در بیاورد، آن زن پاسخ نداده است. بنابراین به آن ساختمان رفته و توانسته آپارتمان مورد نظر را پیدا کند، اما با صحنه عجیبی روبه‌رو شده بود. سه نفردرآن خانه به قتل رسیده و زن میانسالی هم زخمی شده بود.

با این تماس ماموران همراه قاضی ابراهیم مرادی، کشیك قتل دادسرای جنایی کرج برای بررسی ماجرا در آنجا حاضر شده و با اجساد قربانیان که پدر ۶۰ساله خانواده و دختر۲۲ و پسر ۳۰ساله‌اش بودند رو به رو شدند. مادر زخمی خانواده هم به بیمارستان منتقل شد و با تلاش پزشکان از مرگ نجات یافت. بررسی‌های اولیه بازپرس جنایی و تیم تحقیق نشان داد سه عضو خانواده ساعاتی از مرگشان می‌گذرد. هیچ وسیله‌ای از خانه سرقت نشده و احتمال این‌که آنها قربانی سرقت شده باشند، رد شد. بنابراین ماموران به مادر خانواده مشکوك شدند. او در جریان تحقیقات سرانجام به قتل اعضای خانواده‌اش اعتراف کرد و گفت چون بیماری سرطان داشتم آنها را کشتم و می‌خواستم جان خود را هم بگیرم که نشد و زنده ماندم.

متهم بعد از بازسازی صحنه قتل در حالی روانه زندان شد که پزشکی قانونی سلامت روانی او را تایید کرده بود.

پرونده وی با صدور جلب به دادرسی به اتهام مباشرت در سه فقره قتل به شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان البرز ارسال شد. با گذشت نزدیك به دو سال از این جنایت خانوادگی، زن میانسال از زندان به شعبه دوم کیفری استان البرز منتقل شد و از سوی قاضی محمدحسینی رازلیقی و مطهری قاضی مستشار شعبه مورد محاکمه قرار گرفت. در این جلسه، نماینده دادستان به تشریح کیفرخواست پرداخت و برای عامل این جنایت خانوادگی در خواست مجازات قانونی کرد. این در حالی بود که خانواده شوهرش به عنوان اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.

سپس زن میانسال که عامل این جنایت خانوادگی بود، در جایگاه قرار گرفت و به دفاع از خود پرداخت و گفت: ما خانواده خوبی بودیم و مشکل زیادی نداشتیم. دو ماه قبل از جنایت متوجه شدم به سرطان مبتلا شده‌ام و این بیماری آن‌قدر در وجودم ریشه دوانده که به‌زودی فوت می‌کنم. همین ماجرا شوك بزرگی برایم بود و نمی‌توانستم بیماری‌ام را به خانواده‌ام بگویم. می‌ترسیدم بعد از مرگ سرنوشت تلخ و سختی برای آنها رقم بخورد. راز بیماری را پنهان نگه داشتم و تصمیم گرفتم آنها را هم بکشم تا از مرگم دچار ناراحتی و مشکل نشوند.

وی افزود: چند بار داروی بیهوشی خریدم تا با آن جان همگی‌مان را بگیرم که نشد. سرانجام شب حادثه داروها را داخل آب ریختم و به سه عضو خانواده‌ام دادم که نوشیدند. آن شب دختر و پسرم پس از خوردن آن بیهوش شدند. اما نیمه‌های شب متوجه شدم شوهرم هنوز بیهوش نشده است.

متهم به قتل ادامه داد: روز بعد با ضربه‌های چاقوی آشپزخانه، آنها را به قتل رساندم. وقتی به خود آمدم پشیمان شدم، همین‌طوری شماره‌ای را گرفتم و درخواست کمك کردم، بعد هم با چاقو ضربه‌هایی به خودم زدم تا بمیرم که زخمی شدم ولی زنده ماندم. ای‌کاش من هم می‌مردم. زودتر اعدامم کنید تا بمیرم و نزد شوهر و دو فرزندم بروم. تحمل دوری از آنها برایم سخت است.

عامل این جنایت خانوادگی بعد از آخرین دفاع با تجدید قرار قانونی روانه زندان شد. در ادامه قاضی محمدحسینی رازلیقی و محمد مطهری قاضی مستشار شعبه دوم کیفری استان البرز وارد شور شدند و این زن را به خاطر قتل سه عضو خانواده‌اش به سه بار قصاص محکوم کردند.

۸ روز از ناپدید شدن باران کوچولو گذشت

## ردپای زن نقابدار در ربودن دختر ۳ ساله

صحنه ربودن باران توسط زن نقابدار در مانتوفروشی

با گذشت هشت روز از ربودن دختر سه ساله افغان در حوالی میدان خراسان تهران، تحقیقات پلیسی برای یافتن ردی از او بی‌نتیجه مانده است.

به گزارش جام جم، این کودك روز شنبه هفته گذشته از یك مغازه مانتوفروشی در حوالی میدان خراسان ربوده شد و تلاش پلیس برای دستگیری زن آدم ربا بی نتیجه مانده است. مادر این کودك درباره نحوه ربودن دخترش گفت: یك روز زنی به خانه ما مراجعه و خود را از طرف موسسه‌ای خیریه معرفی کرد که قصد کمك به نیازمندان را دارد. ما به او گفتیم نیازی به کمك نداریم. چند روز بعد این زن در حالی که صورت خود را پوشانده بود مقابل خانه‌مان آمد و گفت می‌خواهد برای فرزندانم خرید کند. وقتی راه افتادیم او ادعا کرد امروز فقط برای باران خرید می‌کند و دو فرزند بزرگ‌ترم را یك روز دیگر باید بیاورم.

وی ادامه داد: همراه آن زن به میدان خراسان رفتیم. در آنجا از دستفروشان خرت و پرت خرید و به باران داد. بعد به داخل مغازه مانتوفروشی رفتیم و گفت بیا برای عید یك مانتو بخر. وقتی از اتاق پرو بیرون آمدم، متوجه شدم زن ناشناس بچه را با خود برده است.

پدر باران هم دیروز به جام جم گفت: در این مدت آگهی گمشدن باران را در شهر پخش کرده و از مردم کمك خواسته‌ایم. در دادسرای جنایی و پلیس آگاهی هم شکایتی را مطرح کرده‌ایم. بیش از یك هفته از ناپدید شدن دخترم گذشته اما هیچ ردی از او به دست نیامده است. روز شنبه مردی با من تماس گرفت و ادعا کرد باران نزد او است. او هفت میلیون تومان برای آزاد کردن باران خواست. در جواب گفتم خوراکی بخر بده دست باران و عکس بگیر و برایم بفرست تا پول را بدهم. بعد از آن تماس نگرفت. یکشنبه به پلیس آگاهی رفتم که به من گفتند این تماس‌ها سرکاری است. از مردمی که از سرنوشت دخترم خبر دارند درخواست می‌کنم با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرند تا باران خیلی زود به خانه برگردد.

کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران، همچنان به دنبال سرنخی از زن کودك‌ربا هستند تا با دستگیری متهم، راز این کودك‌ربایی فاش شود.

ادعای جدید مرد همسرکش بعد از ۱۱ سال

## همسرم خودکشی کرده بود!

مرد میانسال که همسرش را چند روز بعد از به دنیا آمدن فرزندش در خانه کشته و به قصاص محکوم شده بود، به خاطر عدم پیگیری اولیاء دم ۱۱ سال در زندان بلاتکلیف ماند و دیروز بعد از این‌که منکر قتل شد، از قضات دادگاه کمک خواست. متهم دیروز در جلسه دادگاه منکر قتل شد.

به گزارش جام جم، رسیدگی به این پرونده از سال ۸۶ به دنبال کشته شدن زن جوانی به نام فرزانه در خانه‌اش در خیابان خوش تهران در دستور کار پلیس قرار گرفت. همسر فرزانه به نام فرهاد که با پلیس تماس گرفته بود، گفت: من همسرم را خفه کرده‌ام.

پلیس به خانه مورد نظر رفت و جسد زن جوان که به‌تازگی صاحب فرزند شده بود، به پزشکی قانونی منتقل شد. همسر فرزانه که معلم بود تحت بازجویی قرار گرفت. این مرد به قتل اعتراف کرد و گفت: از رفتارهای همسرم خسته شده بودم. به همین خاطر او را با روسری خفه کردم.

وی در ادامه پای میز محاکمه ایستاد و به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد اما چون اولیای دم نتوانستند تفاضل دیه را بپردازند پیگیر اجرای حکم نشدند و فرهاد ۱۱ سال در زندان ماند.

وی طی نامه‌ای از قضات دادگاه کمك خواست و درخواست اعمال ماده ۴۲۹ را کرد. به این ترتیب دیروز برای تعیین تکلیف در شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یك قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد.

در این جلسه فرهاد قتل را انکار کرد و حرف‌های تازه‌ای زد. وی گفت: شش سال بود با فرزانه ازدواج کرده بودم اما او مشکل روانی داشت. بچه‌دار نمی‌شد و پرخاشگر بود تا این‌که بعد از چند سال ما صاحب دختری شدیم اما همسرم چند روز بعد از زایمان اوضاع روحی‌اش بدتر شده بود. به بچه شیر نمی‌داد و به کارهای او رسیدگی نمی‌کرد.

وی ادامه داد: من آن زمان معلم زبان عربی بودم. آن روز از مدرسه به خانه برگشتم و خوابیدم اما بعدازظهر وقتی بیدار شدم متوجه شدم همسرم خودش را با روسری خفه کرده است. این ادعا در حالی دیروز در دادگاه مطرح شد که وی در دادسرا به قتل همسرش اعتراف کرده و صحنه جنایت را نیز بازسازی کرده بود.

این متهم ادامه داد: حالا ۱۱ سال از این ماجرا گذشته و دخترم در کلاس پنجم ابتدایی درس می‌خواند. من ۱۱ سال در زندان بلاتکلیف مانده‌ام و حالا از قضات دادگاه تقاضا دارم طبق ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسلامی تکلیفم را روشن کنند. از این وضعیت خسته شده‌ام. در پایان جلسه، هیات قضایی برای وی وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی تعیین کرد تا در صورت سپردن این وثیقه از زندان آزاد شود.

طبق ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسلامی در مواردی که محکوم به قصاص در زندان است و صاحب حق قصاص بدون عذر موجه یا به دلیل ناتوانی در پرداخت تفاضل دیه، مرتکب را در وضعیت نامعین رها کند با شکایت محکوم از این امر، دادگاه صادرکننده حکم، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر شده نسبت به گذشت از شاکی یا اجرای حکم قصاص اقدام کند. در غیر این صورت دادگاه می‌تواند بعد از تعیین تعزیر تا تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص، مرتکب را آزاد کند.

## ردپای زن ماما در ماجرای فروش نوزادان

تحقیقات جنایی از زن مامایی که سقط جنین غیرقانونی می‌کرد، راز فروش نوزادان توسط او را فاش کرد.

به گزارش جام جم، اوایل بهمن امسال ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران زن ۴۰ ساله‌ای را در غرب تهران بازداشت کردند که لیسانس مامایی داشت و در زمینه سقط جنین‌های غیرقانونی فعالیت می‌کرد. تحقیقات پلیسی با دستور بازپرس سهرابی، رئیس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران ادامه داشت تا این‌که فرد ناشناسی نامه‌ای را برای پلیس ارسال کرد که در آن نوشته شده بود این زن ماما که غیرقانونی سقط جنین می‌کند، در زمینه فروش نوزادان هم فعالیت دارد. همچنین نگارنده نامه برای صحت ادعای خود نام و نشانی از خانواده‌ای داده بود که یکی از همان نوزادان را خریده و از او نگهداری می‌کردند. سرانجام زوج مورد نظر شناسایی و به پلیس آگاهی احضار شدند.

مرد جوان در تحقیقات گفت: من و همسرم سال‌ها بود که ازدواج کرده و بعد از کلی درمان معلوم شد بچه‌دار نمی‌شویم. همه راه‌ها را برای پذیرش بچه رفتیم اما به خاطر بروز مشکلاتی این کار انجام نشد و ما در حسرت شنیدن صدای بچه در خانه‌مان بودیم. همسرم افسرده شده بود. یك روز همسرم را به درمانگاهی برده بودم که با زن مامایی آشنا شدیم که می‌گفت اگر نوزادی را یافت برایمان می‌آورد تا از او نگهداری کنیم. بعد از چند ماه او با ما تماس گرفت و گفت برایمان نوزاد پسری را یافته و نزد وی برویم و من و همسرم به محل کارش رفتیم. بعد از گفت‌وگو با وی متوجه شدیم که زنی در درمانگاه محل کار او زایمان کرده و به خاطر مشکلات مالی نمی‌توانسته از فرزندش نگهداری کند و رفته است. زن ماما از من پنج میلیون تومان گرفت و نوزاد چندروزه پسر را به ما تحویل داد که حالا چهار ساله است. برای این کودك به نام خودمان شناسنامه گرفتیم و زندگی‌مان خیلی بهتر شد.

این در حالی بود که دیروز متهم زن به شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و به بازپرس پرونده گفت: ده سال پیش سقط جنین می‌کردم و بعد از مدتی توقف دوباره فعالیت مجرمانه‌ام را ادامه دادم. مادر این کودك برای زایمان نزد من آمد. شوهر معتادش او را ترك کرده و پول و جایی برای نگهداری از فرزندش نداشت. او زایمان کرد و پسری به دنیا آورد. فرزند او ناراحتی ریه داشت که بعد از ۲۴ ساعت بستری بودن کودك حال او بهتر شد. مادر کودك از من خواست فرزندش را به خانواده‌ای بدهم تا از او نگهداری کنند. من هم چون خانواده‌ای را می‌شناختم که از بیمارانمان بودند و بچه‌دار نمی‌شدند، چهار سال پیش نوزاد را تحویل آنها دادم.

با توجه به این‌که احتمال می‌رود این متهم زن در فروش نوزادان دیگری هم نقش داشته باشد، با دستور قضایی ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات در این باره را آغاز کرده‌اند.

همزمان با انهدام باند کلاهبرداری فاش شد

## از جعل سکه تا کلاهبرداری در پوشش کارمند ریاست جمهوری

با درخواست قضایی، تصاویر سه نفر از متهمان بدون پوشش در روزنامه چاپ می‌شود تا افرادی که در دام این باند گرفتار شده‌اند برای شکایت به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند

اعضای باند تبهکار که با سرقت قالب‌های سکه، اقدام به جعل سکه‌های پارسیان می‌کردند در دام پلیس گرفتار شدند. متهمان با فریب دو دختر از آنها در فروش سکه‌های تقلبی استفاده کرده و به جای آن، لباس‌های مارکدار می‌دادند.

به گزارش جام جم، اوایل دی امسال ماموران پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران از فعالیت دو متهم سابقه‌دار باخبر شدند که در زمینه ضرب و فروش سکه‌های تقلبی پارسیان و نیز جعل اسکناس و پلاك خودرو فعالیت می‌کنند. متهمان تحت تعقیب بودند تا این‌که یکی از آنها به نام امین در محله جمهوری زمانی که در محاصره پلیس قرار گرفت با سلاحی که داشت به خود شلیك کرد و فوت شد. با تشکیل پرونده قضایی در شعبه اول دادیاری دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با دستور قاضی پرونده تحقیقات برای دستگیری همدستان او ادامه داشت تا آنها چند هفته بعد سه مرد و دو دختر را بازداشت کردند. مردان این باند همه سابقه‌دار بودند و اعضای باند در جریان تحقیقات به جرایمشان اعتراف کردند.

سعید متهم کلیدی به افسر تحقیق گفت: امین - مرد فوت‌شده - از اعضای اصلی باند بود. درزندان با هم آشنا شده و بعد از آزادی همدست شدیم. اوایل بهار امسال تصمیم به ضرب سکه و فروش آن گرفتیم و برای اجرای آن، نقشه سرقت از کارگاه طلاسازی را اجرا کردیم. من، امین و پسر دیگری بااطلاع از حضور مرد طلاساز در محل کارش در خانه قدیمی در جنوب تهران به آنجا رفتیم، با چاقو تهدیدش کرده، دست و پایش را با طناب بستیم و زندانی‌اش کردیم. قالب ضرب سکه‌ها را سرقت کرده و با قراردادن برگه‌های برنجی در آن سکه‌های تقلبی پارسیان را تهیه کردیم. همراه دختر مورد علاقه امین و دختری که دوستم بود به طلافروشان در سطح تهران، کرج، شهریار و اسلامشهر و دیگر شهرها مراجعه و سکه‌های پارسیان را می‌فروختیم. بقیه اعضای باند هم همکاری می‌کردند و در قبال آن پول و شیشه به آنها می‌دادیم. دختران در برابر همکاری با ما، جای خواب و لباس مارکدار می‌گرفتند.

در ادامه افراد دیگری نیز در اداره پلیس آگاهی حاضر شدند و این بار شکایت کردند که امین - متهم فوت‌شده - خود را کارمند نهاد ریاست جمهوری جا زده و لوازم صوتی و تصویری قسطی از آنها خریده و بدون پرداخت اقساط فرار کرده و این اموال را در بازار فروخته است. متهمان همچنین فروشندگان خودروهای مدل بالا از جمله بی‌ام‌و، لندکروز، بنز و .... را در سایت دیوار شکارکرده و آنها را سر قرار کشانده و با تصادف ساختگی خودروها را دزدیده‌اند. تعدادی از خودروها را که مدارك داشتند فروخته‌اند و بقیه را اوراق کرده یا قطعات آن را دزدیده و فروخته‌اند.

تلنگر

## ۱۳سال زندان و دیه به خاطر قتل در کمپ

مدیر یك کمپ ترك اعتیاد که در جریان درگیری با پسر معتاد، وی را کشته و به درخواست اولیای‌دم به پرداخت دیه محکوم شده بود به خاطر ناتوانی در پرداخت دیه ۱۳ سال در زندان ماند. وی دیروز درخواست تقسیط دیه را مطرح کرد.

به گزارش جام جم، اوایل سال ۸۴ خبر مرگ پسر معتادی به نام امیر در یك کمپ ترك اعتیاد در جاجرود به پلیس اعلام شد. مأموران وقتی به کمپ موردنظر رفتند با جسد امیر روبه‌رو شدند. مدیر کمپ ادعا داشت نمی‌داند این پسر چطور کشته شده است، اما آثار ضرب دیدگی روی سر

امیر مشخص بود. در مسیر تحقیق‌های پلیسی سرانجام مدیر کمپ به نام مهدی لب به اعتراف گشود و به قتل اعتراف کرد. وی گفت امیر چند بار از کمپ فرار کرده بود. آخرین بار وقتی به کمپ برگشت همراه خودش مواد مخدر داشت. به همین خاطر با او درگیر شدم و در یك لحظه کنترل اعصابم را از دست دادم و با لوله به سرش زدم.

وی پای میز محاکمه ایستاد و به درخواست اولیای‌دم به پرداخت دیه محکوم شد، اما چون توان پرداخت دیه را نداشت ۱۳سال در زندان ماند و دیروز درخواست تقسیط دیه را مطرح کرد.

وی در شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یك قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد و گفت: من مدیر کمپ بودم. امیر که به شیشه معتاد بود همراه مادرش به کمپ آمد و بستری شد، اما چند بار فرار کرد. او هر بار که به کمپ بازمی‌گشت همراه خودش مواد مخدر می‌آورد و به سایر معتادان می‌داد. چند بار به او تذکر داده بودم، اما گوشش بدهکار نبود. به همین خاطر آخرین بار وقتی به کمپ برگشت با او درگیر شدم و با لوله ضربه‌ای به سرش زدم، ولی قصد کشتن او را نداشتم.

وی ادامه داد: در مدت ۱۳ سالی که در زندان هستم همسرم از من جدا شد و رفت. در این مدت هیچ‌کسی به ملاقاتم نیامد. من کسی را ندارم تا پیگیر پرونده‌ام شود. ۶۱ سال دارم و هیچ پول یا ملکی ندارم که بتوانم دیه را پرداخت کنم. به همین خاطر از قضات دادگاه تقاضا دارم با تقسیط دیه موافقت کنند. در صورتی که آزاد شوم کار می‌کنم و دیه را قسطی به اولیای دم می‌پردازم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا درباره درخواست اعسار متهم اظهار نظر کند.

## قصاص برای قاتل خانم وکیل

مردی که با شلیك گلوله، خانم وکیل جوان را مقابل دادگستری لنگرود به قتل رسانده بود بعد از محاکمه به قصاص محکوم شد.

به گزارش ایسنا، این خانم وکیل ۴۱ ساله صبح سی‌ام اردیبهشت امسال مقابل دادگستری لنگرود با شلیك دو گلوله سلاح شکاری به قتل رسید. تحقیقات نشان می‌داد او با یکی از موکلانش اختلاف شخصی داشته است؛ بنابراین این مرد میانسال که تحت تعقیب پلیس قرار گرفته بود، بازداشت شد.

عبدالصمد خرمشاهی، وکیل این پرونده گفت: طبق رای صادره از سوی شعبه سوم دادگاه کیفری یك استان گیلان متهم به قتل فرزانه پوررجبی، وکیل دادگستری به یك بار قصاص نفس در ملاعام در محل ارتکاب قتل و به لحاظ حمل سلاح شکاری غیرمجاز به تحمل دو سال حبس و ضبط سلاح محکوم شد.

## مرگ ۳ نفر در پژوهشگاه فضایی

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در مراسم روز ملی فناوری فضایی از فوت سه نفر در حادثه پژوهشگاه فضایی خبر داد.

به گزارش فارس، محمدجواد آذری جهرمی، ارتباطات و فناوری اطلاعات در این باره گفت: اخیرا سه نفر از همکارانمان را در آتش‌سوزی‌ای که در پژوهشگاه فضایی رخ داد، از دست دادیم.